



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۲/۱۱

ولی احمد نوری

سلطان شهاب الدین غوری و سالارانش

از کلیات اشعار استاد خلیل الله خلیلی افغان



انتخاب ولی احمد نوری

از شهنشاہ وطن سلطان غور
ثانیی محمود در هندوستان
غفلت سرهنگ و سالار و سپاه
در سپاه شه پریشانی فگند
رشته جمعیت لشکر گسیخت
داد تأیید خداوندیش نجات
وان سپهداران غفلت کیش را
واز کمر آن بند پر گهر کشید
بر شدن بر تخت شاهان کرام
بعد ازین سلطان نخوانم خویش را

دوش کرد از حافظه فصلی عبور
از "شهاب الدین" شه گیتی ستان
در یکی از جنگ ها در رزمگاه
رخنه در نیروی سلطانی فگند
هر سر و سرهنگ در سوی گریخت
شاه را زان عرصه مرگ و حیات
دید آنجا چون شکست خویش را
تاج سلطانی ز تارک بر کشید
گفت بر من بعد ازین باشد حرام
تا نگیرم انتقام خویش را

بر نخسپم بعد ازین روی حریر
بر سر من کس نیافرازد علم
ارگ فیروزه دیگر ناید به کار
زین سپس با ساقیان سیم ساق
شاعران دگر حدیث غم کنند
داد فرمان تا سپه سالار را
با سپه داران و سرهنگان وی
بر سر هر یک سحر پیش سپاه
همچو خر بر پشت شان پالان زنند
بسته بر پا های شان باشد طناب
حکم سلطان گشت نافذ همچو تیغ
تا نشد پیروز در جنگ دیگر
تا نشد در رزم دگر کامران

جز به پشت اسپ و یا روی حصیر
شاه نامم کس نیارد در قلم
آن در و دیوار و کاخ زرنگار
تا پگاه فتح گویم الفراق
بر شکست لشکر ماتم کنند
آنکه مانده عرصه پیکار را
افسران و پیش آهنگان وی
چادر اندازند بر جای کلاه
پاردم چون یابوی سلطان زنند
زین سپس بر جای زرینه رکاب
یا چو آن برقی که می تابد زمیغ
تاج را ننهاده از غیرت به سر
کس ندیدش بند زرین در میان

تا سپاه غیر را یک سر نراند
خویش را شاه و سر و سلطان نخواند

کلیات استاد خلیلی الله خلیلی بزرگ
چاپ ۱۳۷۸ هـ شمس - ۱۹۹۹ میلادی - ص ۵۳۹

**** **

سلطان شهاب الدین غوری و سالارانش
walinouri_soltan_shahabodin_ghoori.pdf